



## جهان عرب در دوره پساناآرامی؛ دغدغه‌های امنیت اجتماعی-اقتصادی پیش‌رو

دکتر مهدی زیبایی\*

This is an open access article under the CC BY license (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

### چکیده

پس از خودسوزی محمد بو عزیز در تونس در سال ۲۰۱۰، موجی از ناآرامی‌ها جهان عرب را فرا گرفت که در نهایت منجر به بروز انقلاب در تونس و مصر، سرنگونی حکومت در یمن و لیبی و جنگ داخلی در سوریه شد. اگرچه برای ناآرامی‌های مذکور دلایل عدیده‌ای چون وابستگی دولت‌ها به قدرت‌های خارجی، وجود دولت‌های استبدادی، سرکوب مخالفین به طور عام و جریان‌های اسلام‌گرا به طور خاص، قدرت فرد-محور و ... را ذکر کرده‌اند، اما به طور قطع فرسایش قرارداد اجتماعی یکی از عمده‌ترین دلایل بروز این اعتراضات بود. علیرغم گذشت بیش از یک دهه از این ناآرامی‌ها، جهان عرب هنوز نتوانسته به یک سازکار مناسب برای تعریف الگوی جدیدی از قرارداد اجتماعی برسد. حال سوال اصلی این است که چرا دولت‌های عرب قادر به دستیابی به یک راه‌حل نهایی در تعیین الگوی بهینه ارتباط بین دولت و جامعه به عنوان قرارداد اجتماعی جدید نیستند؟ در این ارتباط، به نظر می‌رسد فقدان کانال‌های گفتگو بین دولت و جامعه، عدم امکان تغییر جایگاه اجتماعی شهروندان، اعمال سیاست‌های محرویت‌زا، وجود نهادهای دموکراتیک فاقد مشروعیت، جایگاه اجتماعی زنان و ... از موانع اصلی ظهور یک قرارداد اجتماعی جدید هستند. در این مقاله قصد بر آن است در چارچوب مکتب امنیتی کپنهاگ و روش‌شناسی پسااثبات‌گرایی مبتنی بر روش‌های متقاطع استقراء و قیاس به بررسی مولفه‌هایی پردازیم که بی‌توجهی به آنها زمینه امنیتی شدن جوامع در جهان عرب توسط سیاستمداران فراهم شده است.

### کلیدواژگان

ناآرامی‌های عربی، قرارداد اجتماعی، جهان عرب، حکمرانی، امنیت

\* نویسنده مسئول، استادیار روابط بین‌الملل گروه علوم سیاسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

ایمیل: [zibaei@soc.ikiu.ac.ir](mailto:zibaei@soc.ikiu.ac.ir)

## مقدمه

بررسی تاریخ خاورمیانه در طول یک سده اخیر گویای وجود سه الگوی ارتباطی میان نظام‌های سیاسی حاکم و شهروندان است. مرحله اول، دوره ۳۰ ساله بین سال‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۵۰ است که در آن دولت‌های عرب به واسطه نظام قیمومیت یا مراحل ابتدایی دولت‌سازی، فاقد قرارداد اجتماعی برای تنظیم روابط خود با شهروندان بودند. مرحله دوم، دوره ۳۰ ساله بین سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۰ است که در آن به واسطه عوامل مختلف شامل ظهور رهبرانی قدرتمند نظیر جمال عبدالناصر در منطقه، گذار از امپریالیسم کهن به امپریالیسم جدید، حمایت امریکا به عنوان امپریالیسم جدید از ظهور دولت‌های ملی قوی و ... اولین (و به عبارتی آخرین) قرارداد اجتماعی شکل گرفت. این قرارداد اجتماعی بیشتر معطوف به ارائه خدمات از سوی دولت به شهروندان و طلب فرمانبرداری از آنها بود. با این حال، به خاطر حوادث متعدد از جمله «تحلیل رفتن توان دولت‌های انقلابی در تقابل با امپریالیسم، وقوع جنگ سرد عربی، نتایج منفی اجرای استراتژی صنعتی‌سازی جایگزین واردات (ISI) و در نهایت افزایش ۳۸۰ درصدی قیمت نفت در جنگ رمضان (سال ۱۹۷۳) بین سوریه و مصر با رژیم اشغالگر صهیونیستی با هدف آزاد سازی صحرای سینا و بلندی‌های جولان به واسطه تحریم نفتی قدرت‌های بزرگ توسط دولت‌های عرب برخوردار از رانت نفت زمینه تضعیف قرارداد اجتماعی مذکور فراهم شد» (زیبائی، ۱۴۰۰: ۲۲۶)؛ (Zibaei, 2021: 226).

مرحله سوم، بازه ۳۰ ساله بین ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۰ را در بر می‌گیرد، این دوره شاهد فرسایش شدید قرارداد اجتماعی در جهان عرب است. این مهم به واسطه تحمیل الگوی اقتصادی نتولیرالیسم توسط نهادهای پولی و مالی بین‌المللی رقم خورد که ریشه آن در طرح کلان اقتصاد سیاسی بین-الملل ایالات متحده برای اقتصاد جهانی قرار دارد. در این چارچوب بنا بر فشارهای امریکا نهادهای مالی بین‌المللی پرداخت وام به دیگر دولت‌ها را منوط به حذف برنامه‌های تخصیص یارانه دولتی به جوامع مربوطه، اجرای برنامه خصوصی‌سازی اموال دولتی، تعدیل قیمت نرخ ارز و ... نمودند. برنامه فوق در جهان عرب باعث شکل‌گیری الگوی نوینی از اقتصاد گردید که کارشناسان بدان سرمایه‌داری رفاقتی می‌گویند. این الگو که باید آن را روی دیگر فرسایش قرارداد اجتماعی نامید باعث انتقال مالکیت دارایی‌های دولت به دوستان و آشنایان افراد صاحب‌منصب در نظام سیاسی حاکم گردید؛ به طوری که شبکه فاسدی از قدرت در چارچوب الگوی حامی-پیرو شکل گرفت و بخش کثیری از جمعیت در بیرون از این الگوی نوین اقتصادی قرار گرفتند. گواه این ادعا نارضایتی بخش کثیر جامعه در جهان عرب علیرغم وجود داده‌های آماری به نسبت مطلوب، بنا بر

1. Import Substitution Industrialization

2. Erosion

گزارش‌های بانک جهانی در دهه منتهی به ناآرامی‌های عربی است (Achcar, 2020: 747-8). این حوادث را باید آخرین میخ بر تابوت قرارداد اجتماعی در جهان عرب دانست. چرا که هنوز پس از گذشت بیش از یک دهه از اولین موج فراگیر ناآرامی‌های عربی، دولتمردان نتوانسته‌اند به توافقات سازنده و اساسی با شهروندان خود دست یابند. مساله اصلی این است که چرا دولتمردان و شهروندان در جهان عرب قادر به دستیابی به یک قرارداد اجتماعی فراگیر نبوده‌اند؟ در این ارتباط به نظر می‌رسد جهان عرب در طول دهه‌های گذشته با چالش‌های جدی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی روبرو بوده است اما دولتمردان ساده‌ترین و پیش پا افتاده‌ترین شیوه پاسخگویی را به چالش‌های مذکور برگزیده‌اند. این راهکار امنیتی‌سازی مولفه‌هایی هستند که در وضعیت عادی به هیچ روی جزء تهدیدات امنیتی به حساب نمی‌آیند. به عبارت دیگر، دولتمردان عرب خاورمیانه بجای درک سرعت بالای تحولات سیاسی-اجتماعی منطقه طی دو دهه اخیر به واسطه تأثیرپذیری از محیط بین‌الملل، با فرافکنی از پاسخگویی مسئولانه شانه خالی می‌کنند. گواه این ادعا اعلامیه‌های گاه و بیگاه برخی از دولت‌های منطقه نظیر عربستان سعودی و بحرین مبنی بر سازماندهی و ارتباط عوامل اصلی اعتراضات با برخی از بازیگران منطقه است.

این نگرش از یک سو، زمینه را برای سرکوب تقاضاهای بر حق مردم در شرایط متحول کنونی مهیا ساخته و از سویی دیگر باعث تعمیق شکاف بین جامعه و طبقه حاکمه گردیده است. تعدادی از این چالش‌ها به واسطه زنجیره ناآرامی‌های سیاسی در سال ۲۰۱۱ برجسته و تا اندازه‌ای به واسطه تحول در شماری از عوامل اجتماعی ظاهر شده‌اند. هویت‌ها، ارزش‌های انفرادی و اجتماعی، تعریف نقش‌های اجتماعی برای جنسیت‌های متفاوت و روابط دولت-شهروندی همگی در سراسر منطقه شروع به تغییر نموده‌اند.

## ۱- پیشینه

مقاله «نظم سیاسی-امنیتی آمریکا در خاورمیانه و امنیت ملی ایران (با تأکید بر برجام)» از جمله نوشته قابل توجه است که به اهمیت نظم خاورمیانه برای آمریکا پرداخته است. به باور نویسندگان «آمریکا همواره تلاش کرده است که از طریق مدیریت تحولات خاورمیانه، شرایط را برای تشکیل نظم سیاسی امنیتی جدید در قالب و پوشش مبارزه با تروریسم، ایران‌هراسی و تضعیف موقعیت امنیتی جمهوری اسلامی ایران فراهم آورد؛ ولی با وجود این تلاش‌ها، هیچگاه به ترتیبات امنیتی در منطقه خلیج فارس به دلیل چشم‌پوشی نسبت به واقعیت‌ها و ساختارهای موجود، به موفقیت جدی دست نیافته است» (توتی و کریمی، ۱۳۹۷: ۱۴۴-۱۲۵)؛ (Tooti & Karimi, 2018: 125-144).

دیگر نوشته قابل توجه در این حوزه مقاله «الزامات امنیت منطقه‌ای استراتژی امنیتی ایران در خاورمیانه» به حساب می‌آید. از نظر مولفین بخش عمده تهدیدهای امنیتی موجود برآمده از منطقه

است و بازیگران منطقه‌ای در ظهور این تهدیدات نقش دارند. ساخت امنیت منطقه‌ای نیازمند ساختاری مشارکتی است که بر پایه اعتماد متقابل عمل می‌کند. لذا «استراتژی امنیتی جمهوری اسلامی ایران برای تحقق امنیت در قالب تعامل سازنده با دیگر بازیگران امکان‌پذیر خواهد بود که این امر نیازمند رفع تهدید و غیرامنیتی نمودن امنیت ایران است» (آذرشب و مومنی، ۱۳۹۶: ۱۶۱-۱۳۷). (Azarshab & Momeni, 2017: 137-161).

مقاله «چالش ژئوکالچری امنیت و ثبات منطقه‌ای در خاورمیانه؛ با تاکید بر ژئوکالچر دینی و مذهبی» نیز از دیگر آثار ارزنده است. مولفین این اثر معتقدند دولت‌های مجموعه امنیت منطقه‌ای خاورمیانه بخش اعظمی از مشروعیت خود را مرهون شریعت اسلام هستند. اولین بازخورد منطقی مورد انتظار این فاکتور هویتی مشترک و برجسته، در همبستگی و نزدیکی این کشورها خواهد بود، اما با کمی تسامح شاید بتوان گفت که اغلب تعارضات و خشونت‌ها در منطقه خاورمیانه ریشه در تعارضات دینی و به‌ویژه مذهبی دارد. در این نوشتار سعی شده است تمایز جایگاه حقیقی و بالقوه جوامع دینی خاورمیانه با جایگاه کنونی و به فعلیت رسیده آن را در بستر چالش ژئوکالچری ادیان و مذاهب در مسیر صلح و امنیت منطقه‌ای مورد بررسی قرار گیرد (یاری و عابدی، ۱۴۰۰: ۷۵-۱۰۳). (Yari & Abedi, 2021: 75-103).

مقاله «خلأ قدرت و تأثیر آن بر امنیت منطقه خاورمیانه» نگاهی نظامی به امنیت دارد. نویسندگان این اثر معتقدند امنیت در خاورمیانه وضعیت پیچیده و مبهمی پیدا کرده است. با وجود تأثیر فاکتورهای متعدد بر شکل‌گیری ناامنی در خاورمیانه، خلأ نفوذ قدرت‌های بزرگ در ایجاد ثبات و نظم در منطقه قابل تأمل است. در یافته‌های مقاله به این نکته اشاره شده است که «هر کدام از دو کشور ایران و عربستان تلاش می‌کنند خلأ قدرت بزرگ در منطقه را جبران کنند و موضوع فوق منجر به تشدید رقابت بین کشورهای منطقه شده است. برای کاهش واگرایی، کشورهای منطقه نیازمند دستیابی به چارچوب مشترک برای همکاری در سطح منطقه هستند» (صالحی و زارع، ۱۳۹۶: ۹۳-۱۱۴). (Salehi & Zare, 2018: 93-114).

گلوین در کتاب «همه چیز درباره خاورمیانه جدید» در یک فصل به مقوله امنیت انسانی پرداخته است که از این حیث با آثار مورد اشاره در بالا متفاوت است. او در این کتاب مولفه‌هایی چون فشارهای جمعیتی، کاهش منابع آب، تأثیر جنگ بر محیط زیست، تغییرات آب و هوایی، بحران آوارگی، وضعیت زنان و ... را به عنوان شاخصه‌های تعیین‌کننده وضعیت امنیت انسانی در منطقه مورد اشاره قرار داده است. بنا بر یافته‌های مولف «وضعیت امنیت انسانی در جهان عرب بیرون از شورای همکاری‌های خلیج فارس مساعد نیست و این دولت‌ها نیازمند بازتعریف روابط خود با جوامع مربوطه هستند» (گلوین، ۱۳۹۸). (Gelvin, 2020).

آخرین اثر ارزشمند در این حوزه مطالعاتی کتاب «امنیت در خاورمیانه» است. این کتاب با در

نظر گرفتن یک دیدگاه موسع از امنیت سخت و نرم تلاش می‌کند همه چالش‌های امنیتی سنتی و مدرن خاورمیانه مانند امنیت نظامی، امنیت دولتی، امنیت اجتماعی و امنیت انسانی را در قالب مسائل و مشکلاتی مانند بحران مداخلات قدرت‌های بزرگ در امور امنیتی کشورهای خاورمیانه، بحران ناشی از رقابت قدرت‌های منطقه‌ای، بحران‌های قومیتی- مذهبی، بحران‌های ترویستی، بحران مهاجرت و آوارگی، بحران‌های زیست محیطی و ... را پوشش دهد (جاگرسگوک، ۱۴۰۰؛ Jägerskog et al., 2021).

چنانچه مشاهده شد، هیچ یک از آثار مذکور به طور جدی ارتباط بین دغدغه‌های امنیت اجتماعی و اقتصادی با وضعیت کنونی نظام سیاسی حاکم را مورد توجه قرار نداده است. مقاله حاضر قصد دارد به مولفه‌هایی پردازد که به عنوان چالش‌های بالقوه امنیت کشورهای منطقه را در آینده متاثر خواهد ساخت اما توسط دولتمردان حاکم در جهان عرب مورد فرافکنی قرار می‌گیرند و با امنیتی‌سازی فضا سعی در نادیده انگاشتن آنها دارند.

## ۲- مبانی نظری: مکتب کپنهاگ

با آن که امروزه قدمت حوزه مطالعاتی روابط بین‌الملل در قالب یک گرایش دانشگاهی اندکی بیش از یک قرن می‌باشد اما سابقه برخی از زیر حوزه‌های این رشته به مراتب کمتر است. در این میان پیشینه حوزه مطالعاتی امنیت به دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی می‌رسد به دوره‌ای که رقابت شدید بین دو بلوک قدرت در اوج قرار داشت و سایه بلند این وضعیت گرایش مطالعات امنیت را نیز بی نصیب نگذاشت؛ به طوری که تا پایان جنگ سرد تنها ملاحظات نظامی و دفاعی جزء تهدیدات و دغدغه‌های امنیتی به حساب می‌آمدند. دوره پس از جنگ سرد را باید رنسانس یا زایش دوباره این حوزه مطالعاتی برشمرد چرا که روحی تازه به کالبد آن دمیده شد. به عبارتی فضا برای ظهور نگرش‌های جدید و گسترده‌تر شدن حوزه موضوعی و حتی جغرافیایی متفکران علاقمند به این حوزه فراهم گردید. در این میان «یکی از مکاتب نظری شکل گرفته طی دوره پس از جنگ سرد مکتب امنیتی کپنهاگ می‌باشد که با افزودن ابعاد جدید این حوزه مطالعاتی را وارد مرحله‌ای نوین نموده است» (ویلیامز، ۱۳۹۲: ۱۳۰)؛ (Williams, 2014: 130).

مکتب کپنهاگ در حوزه امنیت دلالت بر یک مجموعه از آثار نظری دارد که به عمل امنیت در سیاست جهان می‌پردازد. اصلی‌ترین نویسندگان این مکتب باری بوزان و آلی ویور به حساب می‌آیند که پایه بحث آنها در مراحل اولیه محدود به عملکرد امنیت در اروپا بود؛ اما در نهایت به واسطه تالیف کتابی با همکاری یاپ دو ویلدوآبا عنوان «چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت»

<sup>1</sup>. Barry Buzan

<sup>2</sup>. Ole Wæver

<sup>3</sup>. Jaap de Wilde

مختصات این مکتب و ابعاد نظری آن بیش از پیش مشخص شد. در این ارتباط، شاید برجسته‌ترین بُعد این مکتب فراخ‌سازی تعاریف امنیت و گنجاندن مجموعه‌هایی چون محیط زیست، فقر، حقوق بشر و غیره در دستور کار امنیتی دولت‌ها است که در دوره جنگ سرد جایی در مطالعات امنیتی نداشتند. مطالعات سنتی امنیت بر محور نظامی به عنوان تنها گزینه در ابعاد امنیت متمرکز بودند و این نگرش در چارچوب امنیت مضیق زمینه افزایش ناامنی جهان را رقم می‌زد (بوزان و همکاران، ۱۳۹۲: ۷-۲۱)؛ (Buzan et al., 2014: 21-7).

متفکران مکتب کپنهاگ گام‌های اولیه برای گذار از امنیت مضیق به سوی امنیت موسع را برداشتند و امنیت تک بعدی را به پنج بخش نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی گسترش دادند. در این ارتباط بوزان سه دلیل برای ضرورت موسع نمودن امنیت بر می‌شمارد. اول، با تقویت روابط بازیگران در حوزه بین‌الملل فعل و انفعالات بین‌آناارشی و وابستگی متقابل افزایش یافته است و در این بستر چهره تهدیدات و آسیب‌پذیری‌ها هم تغییر یافته است. بر این اساس، بتدریج تهدیدات نظامی کمرنگ و سایر اشکال تهدید برجسته شده‌اند. دوم، در شکل امنیت موسع مفهوم امنیت مانع از تقابل آرمانگرایان و واقعگرایان خواهد شد. به عبارت دیگر، امنیت موسع فضای مناسبی را برای افرادی که هدفشان صلح در معنای ایجابی است را فراهم خواهد کرد. در نتیجه امنیتی کردن یک مساله به معنای یافتن توجیهی قانع‌کننده برای انجام تدابیر خاص و خارج از رویه‌های معمول است و ممکن است از آن برای اهداف غیر مشروع استفاده شود. سوم، مفهوم امنیت راهی برای پیوند نظریه و تحلیل در مطالعات بین‌المللی است و نظریه روابط بین‌الملل، اقتصاد سیاسی بین‌الملل و ... در مجموعه‌های مطالعات امنیتی قرار دارند. به عبارت دیگر، امنیت جایگاهی معادل قدرت را در مطالعات بین‌المللی دارد در حالی که پیام‌های ویرانگر آن به مراتب کمتر است. در مکتب کپنهاگ هدف مرجع در بخش اجتماعی هویت است. در این بخش مرزبندی محکم و متمایزکننده میان تهدیدات وجودی و دیگر چالش‌ها بسیار دشوار است. زیرا به طور طبیعی هویت‌های جمعی در پاسخ به توسعه داخلی و بیرونی تغییر و تحول می‌یابند. «در مکتب کپنهاگ دو عامل اصلی در تبدیل مسائل هویتی به تهدید وجودی و امنیتی شدن آن نقش دارند؛ اول، تصورات صاحبان هویت؛ دوم، تبدیل تهدیدات و آسیب‌های اجتماعی به کشمکش و منازعه میان دولت‌ها. تشخیص هدف مرجع در بخش اقتصادی نیز بسیار دشوار است» (عبدالله خانی، ۱۳۸۹: ۱۲۹)؛ (Abdulahkhani, 2011: 129). چرا که تهدیدات وجودی در بخش اقتصادی در ماهیت و ذات اقتصاد بازار نهفته است. مواردی چون رقابت خارجی، محدودیت صادرات، پایین نگه داشتن نرخ ارز توسط بازیگران و غیره از جمله تهدیدات بخش اقتصادی به حساب می‌آیند اما این موارد جزء قواعد فعالیت‌های اقتصادی هستند و نمی‌توان آنها را به راحتی در چارچوب امنیتی قرار داد. به عبارتی انتساب آن به تهدیدات وجودی و امنیتی نمودن آنها موجه نیست. در این چارچوب،

عوامل اجتماعی و اقتصادی به خودی خود جزء مولفه‌های امنیتی محسوب نمی‌گردند و در مرحله اول نمی‌توان آنها را در زمره تهدیدات وجودی و موضوعات امنیتی قرار داد. بر این اساس، امنیتی نمودن این موارد در پاره‌ای از دولت‌ها نشان از اهداف غیر مشروع آنها در مخفی نمودن ناکارآمدی نظام‌های سیاسی حاکم دارد.

### ۳- وضعیت امنیت اجتماعی-اقتصادی در جهان عرب

تمرکز بر «نرخ واردات تجهیزات نظامی توسط دولت‌های عرب خاورمیانه گویای آن است که بازیگران مذکور در یک مسابقه تسلیحاتی بزرگ قرار دارند، به طوری که از ده واردکننده بزرگ تسلیحات در بازه زمانی ۲۰۲۰-۲۰۱۶ پنج دولت عربستان، مصر، الجزایر، قطر و امارات در جهان عرب قرار دارند» (Wezeman et al., 2021: 6). با این حال، نارضایتی شهروندان و وضعیت نابسامان سیاسی-اقتصادی در این دست از کشورها به‌ویژه در دوره بعد از شیوع جهانی ویروس کرونا گویای اهمیت ابعاد دیگری از امنیت به‌ویژه وجوه اجتماعی-اقتصادی آن است که زمینه آسیب‌پذیری دولت‌ها را در جهان عرب بیش از پیش نموده است.

امنیت اجتماعی مقوله‌ای است که افراد و دولت به همراه یکدیگر در تامین آن سهیم و شریک هستند و از این رو، به تدریج و همگام با غیرقابل تفکیک شدن دولت و جامعه از یکدیگر، همین حالت در خصوص ناامنی آن دو مصداق پیدا می‌کند. هم اکنون با توجه به کاهش کنترل حکومت‌ها بر جوامع خود، ظهور جنبش‌های جدایی طلب در سطح فرو ملی، افزایش روزافزون مهاجرت و جریان حرکت پناهندگان و چارچوب‌های در حال تحول داخلی و خارجی، بررسی روابط دولت و مردم امری اجتناب‌ناپذیر است؛ از سویی دیگر، امنیت اقتصادی همان شرایط حیاتی اقتصادی به حساب می‌آید که عبارتست از برقراری نظم بین عوامل اساسی تهیه مایحتاج معیشتی انسان یعنی منابع اولیه، تولید، توزیع کار و درآمد اعضای جامعه؛ به طوری که نیازهای ضروری آنها تأمین شود و آنها از فقدان و یا حتی احتمال فقدان این ضروریات احساس خطر نکنند و آرامش آنها سلب نشود (نویدنیا، ۱۳۸۳: ۶۱؛ فصیحی، ۱۳۹۹: ۱)؛ (Navidnia, 2003: 1; Fasihi, 2021: 61).

### ۴- تهدیدات بالقوه امنیت اجتماعی-اقتصادی در دولت‌های عرب

با توجه به توضیحات فوق و آشنایی مختصر با جایگاه دغدغه‌های امنیتی در جهان عرب، در ذیل به پاره‌ای از چالش‌ها اشاره خواهد شد که به طور بالقوه امنیت اجتماعی-اقتصادی ساکنین جهان عرب را در دو دهه گذشته به خطر انداخته است و دولتمردان به جای تلاش برای حل این دغدغه‌ها با امنیتی ساختن فضا آنها سعی در پاک نمودن صورت مساله دارند.

## ۱-۴- انسداد ارتباط مابین دولت-جامعه

یکی از دغدغه‌های اجتماعی عمده پیش روی دولت‌ها در جهان عرب فقدان گفتگوی سیاسی و اجتماعی در سطوح مختلف است. به طور سنتی، کانال‌های موثر گفتگو در سطوح ملی و منطقه‌ای در این کشورها وجود ندارد. در سطح ملی، نهادهایی که شهروندان در بستر آنها مجاز به برقراری ارتباط با نخبگان سیاسی هستند، دستخوش فساد شده‌اند یا به طور کامل تحت نفوذ دستگاه‌های امنیتی یا نخبگان سیاسی قرار دارند. علاوه بر این، نظام سیاسی به طور ساختاری آزادی بیان را مورد هدف قرار می‌دهد؛ این نوع از آزادی همواره تحت کنترل بوده است و به خاطر دغدغه‌های امنیتی محدود می‌شود. در سراسر منطقه تعریف امنیت ملی، فراگیر و به طور عمده مبهم باقی مانده است. فعالین حقوق مدنی، حقوق زنان، دانشگاہیان، سیاستمداران پیشین و رهبران جامعه همگی در سراسر منطقه، در تیررس نظام‌های امنیتی دولت‌ها قرار دارند و به عنوان تهدیدات امنیت ملی به تصویر کشیده می‌شوند. در دوره پیش از ناآرامی‌های عربی حکومت‌های خودکامه عربی از مصر، تونس، یمن و سوریه گرفته تا پادشاهی‌های اردن، مراکش و خلیج فارس، همگی به واسطه اتحاد با ارتش، سرویس‌های امنیتی و نخبگان جهانی حوزه تجارت ریشه‌دار و باثبات به نظر می‌رسیدند، در حالی که توجه اندکی به شهروندان خواهان مشارکت در سیاست داشتند (Bayat, 2021: 44).

در این ارتباط به نظر می‌رسد، اجرای اصلاحات جدی و همه‌جانبه تنها شیوه مهار چالش‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی پیش روی منطقه به حساب می‌آید. با این حال دیدگاه اکثر مردم نسبت به چشم‌انداز چنین اصلاحاتی بدبینانه است و آنها معتقدند که اجرای اصلاحات به طور معمول مشمول مرور زمان و تحکیم پایه‌های نظام‌های سیاسی فاسد خواهد شد. نتایج نظرسنجی جوانان عرب نشان می‌دهد که اکثریت افراد نسبت به چشم‌انداز اصلاحات و آینده منطقه در ابتدای ناآرامی‌های عربی خوشبین بودند اما با گذشت زمان، احساس شدید بدبینی در سراسر منطقه رشد کرده است. «وقایع سراسر منطقه بیانگر آن است که روند تغییرات به طور خاص از زمان ناآرامی‌های عربی، در مسیری مخالف با نیازهای اساسی منطقه در جریان می‌باشد» (Josua & Edel, 2021: 586). جهان عرب در حال از دست دادن جایگاه رقابت جهانی است، رقابتی که در آن نوآوری، پاسخگویی، تفکر نقاد، شفافیت، دسترسی به اصلاحات (حداقل در برخی از حوزه‌ها) عوامل کلیدی در موفقیت محسوب می‌گردند.

علاوه بر این، نگرانی‌های جدی امنیتی در سراسر منطقه به پاره‌ای از درگیری‌ها در تعدادی از کشورهای منطقه دامن زده است که اغلب به طور مستقیم یا غیرمستقیم دیگر ملت‌ها را تحت تاثیر قرار می‌دهد و بر مسیر تغییرات در منطقه اثرگذار است. در نتیجه، در سطح منطقه‌ای خلاء اعتماد و ارتباط در عالی‌ترین سطح سیاسی وجود دارد. در حالی که پیاده‌سازی برنامه‌های اصلاحی عامب



تفاوت میان رهبران سیاسی منطقه به حساب می‌آید اما رهبران سیاسی به طور عام با اعمال محدودیت بر حق سفر، تعداد فرآیندهای رسانه‌های تحت حمایت دولت‌ها، امنیت منطقه‌ای و کشمکش‌های ایدئولوژیکی در سطح عمومی باعث ایجاد شکاف در مردم شده است.

#### ۴-۲- فقدان تحولات اجتماعی

دومین دغدغه موجود در جوامع کنونی عرب فقدان تحریک اجتماعی است که به نارضایتی اجتماعی در سراسر منطقه دامن می‌زند. به نظر می‌رسد این مهم از عدم وجود ارزش‌هایی برای تعریف تحولات اجتماعی در سراسر منطقه ریشه می‌گیرد. ارزش‌هایی که تحولات اجتماعی و ابزار و سازوکارهای این تحولات را مشخص می‌سازند در جهان عرب مورد غفلت بوده‌اند. نهادها، ساختار پروکراتیک ارزش‌های فرهنگی و توسعه، سرمایه انسانی مورد نیاز برای تحول اجتماعی به شیوه مناسب و در راستای تحقق امکان تحریک اجتماعی گسترش نیافته‌اند. در حالی که بسیاری از جوامع در جامعه جهانی به سطح قابل قبولی از ساختارهای فنی، اقتصادی و سیاسی رسیده‌اند که امکان دگرگونی اجتماعی آسان‌تر را فراهم می‌کند، جوامع عربی در تلاشند تا با ایجاد تغییرات ساده زمینه بهبود وضعیت اجتماعی را برای افراد میسر سازند (Nikfar, 2020: 3-4).

در اکثر جوامع سراسر منطقه برخورداری از ارتباطات قوی با نخبگان سیاسی به عنوان بهترین و کوتاه‌ترین مسیر دستیابی به منابع و فرصت‌ها تصور می‌شود. شایستگی فردی، عزم راسخ و خلاقیت همگی تحت تاثیر ارتباطات شخصی با چهره‌های سیاسی پرنفوذ قرار دارند. با این حال، در جهان عرب عواملی برای تغییر وجود دارند که از ظرفیت قابل ملاحظه‌ای برای ایجاد تغییر در پویایی‌های موجود برخوردارند. در شرایط سیاسی-اجتماعی حاضر زنان، جوانان و شاید کارآفرینان تاثیرگذارترین عوامل تغییر محسوب می‌گردند. «در تعدادی از کشورها، زنان در مقیاس‌های متفاوت در حال تاثیرگذاری بر این تغییر و رساندن صدای خود به دیگران هستند؛ به طوری که بیش از نیمی از دانش‌آموختگان دانشگاهی در خاورمیانه زن هستند» (Assi & Marcati, 2020: 1).

با توجه به ساختار جمعیتی منطقه، اکثر شهروندان کشورهای عربی جوان به حساب می‌آیند و از ظرفیت قابل ملاحظه‌ای برای ارائه راه‌حل‌های نوآورانه و مقابله با موانع پیشروی تحولات اجتماعی برخوردارند. با این حال، ظرفیت جوانان و زنان در عمل با فقدان فرصت‌ها و بازدارندگی فضای سیاسی-اجتماعی محدود می‌شود. علاوه بر این، کارآفرینان ظرفیت چشمگیری برای ایجاد تغییر در منطقه نشان داده‌اند. کارآفرینان منطقه‌ای راه‌حل‌های خلاقانه‌ای را در طیف گسترده‌ای از حوزه‌های اجتماعی-زیست محیطی و اقتصادی نظیر مدیریت پسماند، حمل و نقل مواد غذایی و انرژی معرفی کرده‌اند. با آن که این راه‌حل‌ها چشم‌اندازهای امیدوارکننده‌ای را برای ایجاد مشاغل به وجود آورده‌اند اما محیط عملیاتی آنها مانعی در برابر توسعه و موفقیت به حساب می‌آید. «در

بستر سرمایه‌داری رفاقتی دولت‌ها منابع خود را معطوف به بنگاه‌های خاص می‌کنند به طوری که منابع مالی به طور عمده به این بنگاه‌ها تعلق دارد. برای مثال در مصر دوره مبارک، ۹۲٪ کل وام‌های بانکی در بخش خصوصی به سمت بنگاه‌های متصل هدایت شده بود» (دیوان و همکاران، ۱۴۰۱: ۳۱)؛ (Diwan et al., 2022: 31).

#### ۴-۳- سیاست‌های عمومی محرومیت‌زا

اجرای سیاست‌های عمومی محرومیت‌زا توسط دولت‌ها مجموعه دیگری از دغدغه‌های امنیتی را به وجود آورده است. دولت‌های خاورمیانه و شمال آفریقا «اجازه داده‌اند که سیاست عمومی بر اساس منافع نخبگان اقتصادی و شهری، تداوم پیوندهای اجتماعی مبتنی بر پیوندهای خانوادگی، قبیله‌ای، فرقه‌ای یا مذهبی تعیین شود» (Bhuiyan & Farazmand, 2020: 375). نخبگان سیاسی معیارهایی را تعیین نموده‌اند که محافل داخلی بر پایه آنها شکل می‌گیرند. جهت‌گیری ایدئولوژیکی و ارتباطات خانوادگی یا شخصی به عنوان عوامل کلیدی ایجاد محافل داخلی در نظر گرفته شده‌اند. به طوری که نخبگان سیاسی در پرتو مولفه‌های مذکور به درجات مختلفی از قدرت دسترسی دارند. اغلب افراد همسو با ایدئولوژی مسلط نخبگان (سیاسی، مذهبی یا هر دو) یا برخوردار از ارتباطات خانوادگی یا شخصی با نخبگان حاکم دسترسی بهتری به منابع قدرت سیاسی دارند. این امر منجر به نارضایتی اجتماعی و اشکال مختلف افراطی‌سازی شده که در طول دهه‌های گذشته در سراسر منطقه ظهور نموده است (Cordesman, 2020: 41).

حکومت‌ها در بیشتر جوامع توسعه‌یافته و جهانی‌شده، نظام‌های رفاهی را معرفی می‌کنند که هدف آنها توانمندسازی طبقات متوسط و تقویت امکان تغییر جایگاه اجتماعی است. با این حال، در جهان عرب چنین نظام‌هایی یا وجود ندارند و یا فاقد عملکرد مناسب هستند. با نگاهی به تاریخ سیاسی جهان موارد بسیار اندکی وجود دارد که در آنها قدرت سیاسی به راحتی واگذار شده باشد. انتقال قدرت در واقع یک مبارزه طولانی و شامل مراحل پیشروی و عقب‌نشینی است؛ جهان عرب نیز از این روند مستثنی نیست. برای چندین دهه نظام‌های سیاسی مشابه بر ساختار اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در اکثر کشورهای عرب مسلط شده‌اند. دلایل اصلی فشارهای موجود برای تغییر انحصار قدرت سیاسی در منطقه را می‌توان در گزارش توسعه انسانی عرب در خصوص کمبود آزادی، آموزش ناکارآمد، مشارکت اجتماعی زنان، خرید وفاداری شهروندان توسط دولت، نقش عوامل خارجی و ... یافت (UNDP, 2019).

عوامل جدیدتر نیز از حمایت طولانی -و تجدید شده- غرب از مراکز سنتی قدرت ریشه می‌گیرد. موج اخیر تقاضای شهروندان برای تغییر ساختار منطقه‌ای قدرت به طور مسلم هنوز به نتایج مطلوب نیاانجامیده است. درخواست تغییر هم‌اکنون در ابتدای مسیر طولانی خود قرار دارد. با اشاره به مطالب مذکور بدیهی است که پویایی‌های کلی منطقه شروع به تغییر نموده است. بحث‌های

عمومی پیرامون ابعاد مختلف ساختار سیاسی-اجتماعی، علاقه و توجه بیشتر شهروندان به مشارکت مدنی و سیاسی، دسترسی بیشتر به کسب اطلاعات از منابع متفاوت، فروپاشی تابوهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و تحول عظیم نسلی حاوی جمعیت گسترده‌ای از جوانان همگی شواهد مستحکمی از این تغییرات هستند. شاید موارد مذکور سرآغاز یک فرآیند به نسبت طولانی تحولات در ساختار قدرت سیاسی در سراسر منطقه به حساب می‌آید. با آن که چنین تغییراتی در حال حاضر جزئی از نگرانی‌های امنیتی دولتمردان به حساب می‌آیند اما در بلند مدت نقش اساسی در اصلاح سیاست‌های محرومیت‌زا در منطقه ایفا خواهد کرد.

#### ۴-۴- نهادهای دموکراتیک فاقد مشروعیت

یکی دیگر از دغدغه‌های امنیتی جدی در جهان عرب تلاش ساختاری و سازمان‌یافته برای مشروعیت‌زدایی از نهادهای دموکراتیک توسط نخبگان سیاسی است. آراء تقلبی و انتخابات ساختگی به طور کامل مشروعیت دموکراسی‌سازی جوامع را تضعیف نموده و در نتیجه اعتماد مردم به چنین فرآیندهایی در سراسر منطقه کاهش یافته است. «جهت‌گیری افکار عمومی در منطقه خاورمیانه نسبت به تمامیت فرآیندهای انتخاباتی موجود به نسبت بدبینانه است» (Transparency International, 2019). چندین دهه است که کشورهای مختلف منطقه حوادث سیاسی غیردموکراتیکی چون کودتاهای نظامی، دستکاری فرآیندهای انتخاباتی توسط حکومت و یا تغییر قوه‌های مقننه به نفع نخبه‌های حکومتی (برای مثال افزایش قدرت رئیس‌جمهور و محدودسازی قدرت نمایندگان مجلس) را تجربه کرده‌اند.

چنین حوادثی فرآیند دموکراسی در سراسر منطقه را بیشتر نامشروع نموده است. با این حال، نرخ مشارکت سیاسی مردم هر چند طی یک مقطع کوتاه در سراسر منطقه بعد از ناآرامی‌های عربی افزایش یافت. «ظهور همزمان جنبش‌های دموکراتیک در چندین کشور عربی، تثبیت دموکراسی در ترکیه و نتیجه شگفت‌انگیز انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۳ در ایران، همگی نشان از تعهد جدی مردمان خاورمیانه به ارزش‌های دموکراتیک و تلاش‌های آنها برای کسب فضای آزاد سیاسی در شرایط دشوار دارد» (ایوب، ۱۳۹۴: ۳۶)؛ (Ayoub, 2015: 36). برای مثال، در مصر مشارکت مردم در انتخابات ملی و محلی گویای آن است که علیرغم احساس بدبینی نسبت به کلیت فرآیند انتخابات و روند انتصابی پست‌ها و مشاغل، شهروندان کماکان این فرآیندها را مجرای ارتباطی مهم با نخبگان حاکم می‌بینند. اغلب شهروندان از انتخابات به عنوان فرصت‌های بی‌نظیر برای اعتراض در برابر سرکوب، فساد و انحصار قدرت سیاسی حاکم بهره می‌برند. بنابراین، با آنکه تلاش‌های ساختاری برای مشروعیت‌زدایی از نهادهای دموکراتیک تأثیری منفی بر نهادها و ارتباط آنها بر فرآیندهای انتخاباتی داشته است اما روندهای انتخاباتی اخیر به‌ویژه در دوره پساناآرامی گویای آن است که تعداد زیادی از مردم در منطقه برای رساندن صدای اعتراض خود، رو به صندوق‌های رای آوردند اگرچه از تأثیرات اندک رویه مذکور آگاهی دارند (Arab Opinion Index, 2020).

#### ۴-۵- بحران حکمرانی

جهان عرب از نظر تحولات اجتماعی، اقتصادی و فناورانه از مدارهای جهانی عقب افتاده است. شیوع درگیری‌ها، فقدان توسعه اجتماعی-اقتصادی و نهادهای سیاسی ضعیف از جمله عوامل اصلی تاثیرگذار بر کندی تحولات منطقه به حساب می‌آیند. در بسیاری از بخش‌های خاورمیانه، یک قرارداد اجتماعی سنتی برای مدت زمانی پابرجا بوده است که طی آن دولت در ازاء کسب مشروعیت سیاسی تنها ارائه‌دهنده خدمات و تامین‌کننده شغل برای شهروندان بود اما با توجه به تحولات یک دهه اخیر این قرارداد مورد چالش قرار گرفته است. «در طول دهه گذشته، شمار دولت‌هایی که کنترل سرزمینی خود را به بازیگران غیردولتی وا نهاده‌اند به‌طور چشمگیری افزایش یافته است و دولت‌های قدرتمندتر در منطقه به تدریج شروع به مداخله در امور دولت‌های ضعیف‌تر نموده‌اند» (Hazbun, 2018: 3).

ارتباط پویایی که بین دولت و شهروندان در دموکراسی‌های کارآمد وجود دارد در منطقه موجود نیست. اکثر حکومت‌های منطقه سیاست‌هایی را اعمال کرده‌اند که عامدانه مشارکت شهروندان در حکومت را محدود ساخته است. سیاست مذکور طیفی از پیامدهای منفی اجتماعی-اقتصادی و سیاسی را به دنبال داشته است. یکی از نتایج اصلی چنین سیاست‌هایی اجرای نامناسب قانون به‌ویژه در حمایت از حقوق شهروندی می‌باشد. با توجه به عدم مشارکت فعال شهروندان در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ... دولت‌های منطقه از قدرت خود سوءاستفاده می‌کنند؛ در نتیجه، از قدرت سیاسی تنها بخش کوچکی از جامعه بهره می‌برند. وابستگی سیاسی، باور ایدئولوژیک و پیوندهای سلطنتی عواملی هستند که حکومت‌ها به واسطه آنها بخش کوچکی از جوامع را برمی‌گزینند تا سهم اصلی قدرت سیاسی و اقتصادی را به آنها واگذار کنند. شرایط مذکور باعث ایجاد یک حس برتری ساختگی در میان گروه‌های مشخصی از شهروندان و ایجاد دسته‌بندی در جامعه شده است. این تقسیمات نقش اساسی در قطبی‌سازی جوامع ایفا کرده‌اند. این راهبردهای توزیع قدرت و منابع، نارضایتی اجتماعی در سراسر منطقه را افزایش داده است.

در سال ۲۰۱۷ گزارشی توسط موقوفه کارنگی برای صلح بین‌المللی در خصوص تجزیه و تحلیل حکمرانی بد در منطقه به چاپ رسید. این مطلب مدعی بود که دلیل اصلی نابسامانی حکومت در جهان عرب نظام آموزشی ناقص است. نوشتار مذکور به درستی خاطر نشان می‌سازد که «نظام-های آموزشی منطقه مخالف تفکر خلاق و مفهوم درست شهروندی هستند که ارزش‌های تحمل و احترام به تنوع را آموزش می‌دهند» (Cammack et al., 2017: 36). در مجموع، نظام‌های آموزشی ضعیف همراه با علاقه‌نخبگان سیاسی به انحصار قدرت منجر به موازنه قدرت سیاسی و اجتماعی-اقتصادی موجود در منطقه شده‌اند. سرانجام، مفهوم امنیت ملی و شیوه حفاظت دولت از منافع امنیت ملی خود دلیل دیگری بر علل شکل‌گیری ساختار قدرت موجود در این دست از کشورها است.

امنیت ملی اغلب به عنوان امنیت دولت و به طور خاص نخبگان سیاسی تعریف می‌شود. نگرش فوق، نقشی حیاتی در بحران کنونی حکمرانی در منطقه ایفا نموده است.

#### ۴-۶- نقش اقتصادی زنان

به طور سنتی مردان در جهان عرب بر نیروی کار سلطه دارند. ساختار مردم‌محور جوامع در این کشورها مشارکت زنان در نیروی کار را کم‌رنگ ساخته است. با آنکه زنان منطقه از منظر یافتن شغل در جایگاهی پس از مردان قرار دارند اما در ارتقاء سطح آموزشی خود به طور چشمگیری موفق عمل نموده‌اند. آمارهای سازمان ملل متحد نشان می‌دهد که تا سال ۲۰۲۰ بیش از نیمی از فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در اکثر کشورهای خاورمیانه زنان بودند. نرخ سوادآموزی زنان نیز به طور قابل ملاحظه‌ای بهبود یافته است. داده‌های بانک جهانی بیانگر آن است که سهم جمعیت زنان باسواد در جهان عرب دامنه‌ای بین ۲۴٪ (عراق) تا ۸۵/۹٪ (اردن) است. در اکثر کشورهای منطقه نرخ فارغ‌التحصیلان زن از مردان بیشتر است. با این حال، داده‌ها اثبات می‌کند که بهبود سطح آموزشی زنان به نرخ اشتغال بالاتر آنها تبدیل نمی‌شود. ماها السوایس<sup>۱</sup> پیرامون دلایل مشارکت پایین زنان در اقتصادهای سراسر منطقه معتقد است، «علیرغم این حقیقت که حضور دانشگاهی زنان نسبت به مردان در اکثر کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا پرنگتر است اما یافتن شغل برای ایشان چالشی بزرگ محسوب می‌شود» (El-Swais, 2016). تقریباً ۱۷/۵ درصد از جمعیت زنان بالغ، در حدود کمتر از یک نفر در نمونه پنج نفره، در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا شاغل می‌باشند. در نرخ بیکاری فعلی، اگر تمامی جمعیت افراد در سن اشتغال در منطقه مذکور به دنبال شغل باشند تا سال ۲۰۵۰ منطقه ۵۰ میلیون بیکار مرد و ۱۴۵ میلیون بیکار زن خواهد داشت.

با گذشت زمان، هویت‌های فردی و اجتماعی جنسیت محور و تعاریف نقش افراد در پرتو چنین هویت‌هایی به طور خاص در میان طبقه متوسط مورد تجدیدنظر قرار گرفته‌اند. این تحول تا اندازه‌ای ریشه در پیشرفت‌های فناورانه نظیر دسترسی به تلویزیون‌های ماهواره‌ای و تلفن‌های همراه دارد. فضای مجازی زنان را در معرض سبک‌های جدید زندگی خصوصی و اجتماعی قرار داده است که اندیشه‌ها، مطالبات و اقدامات جدید را تشویق می‌کنند. این فضا همچنین چارچوب‌های جدیدی برای کارآفرینی زنان ارائه داده است. در مجموع، به لطف ارتباطات الکترونیکی سریع، هویت زنان در جهان عرب به تدریج از نقش سنتی مادران خانه‌دار به عنصر فعال کمک‌کننده به رفاه اقتصادی خانواده در حال تغییر است (Danon & Collin, 2021: 10-13). البته، تجدیدنظر در هویت‌های زنان به پیشرفت‌های چشمگیر در آمار و ارقام مرتبط با اشتغال زنان منجر نشده است. اگرچه خواست و انگیزه زنان برای ایفاء فعالانه‌تر نقش‌های اجتماعی و اقتصادی تقویت شده اما فرهنگ و ساختارهای اقتصادی مردم‌محور کشورهای عرب زنان را از تعدادی از حوزه‌های اقتصادی منطقه محروم ساخته است. یکی از موانع اصلی کارفرینان به طور عام و بانوان کارآفرین به طور

<sup>۱</sup>. Maha El-Swais

خاص مساله تامین مالی پروژه‌ها است و دسترسی به آن بر حسب جنسیت از یک کشور به کشوری دیگر تفاوت دارد. «زنان کارآفرین در مراکش (۴۶/۵ درصد) و تونس (۳۴/۶ درصد) بیشترین استفاده را از اعتبار بانکی در جهان عرب دارند در حالی که این رقم برای زنان فلسطینی (۱۴/۱ درصد) بسیار پایین تر است» (Laffineur et al., 2018: 363)

### نتیجه‌گیری

بنا بر گزارش سالیانه سازمان دموکراسی برای جهان معاصر عرب<sup>۱</sup> (۲۰۲۱)، مردم این منطقه «همچنان در آرزوی دموکراسی‌سازی و احترام به حقوق بشر هستند». در این میان، حکومت‌های ستمگر و حمایت دولت‌های خارجی از آنها، موانع اصلی دموکراسی‌سازی به حساب می‌آیند. قرارداد اجتماعی پیشین متکی بر این اصل بود که رژیم‌ها مادامی که قادر به تامین امنیت و رفاه مردم خود باشند، می‌توانند هر طور که صلاح می‌دانند حکومت کنند. وضعیت کنونی دولت‌ها در جهان عرب گویای آن است که این اصل به وضوح شکست خورده است. رژیم‌ها دیگر قادر به انجام وعده‌ها و تامین نیازهای مردمان خود نیستند. به نظر می‌رسد زمان برای یک قرارداد اجتماعی جدید مبتنی بر مفروضات مختلف شامل حقوق مدنی، رویکردهای عمل‌گرایانه به دموکراسی، ثبات، امنیت شخصی و مشارکت‌های جدید در جامعه مدنی فرا رسیده است. از آنجایی که مفروضات مذکور نیازمند ایجاد محدودیت‌های جدی بر قدرت اجرایی نظام‌های سیاسی حاکم است، دولت‌ها با امنیتی نمودن فضا و انتساب خواسته‌های بر حق مردم به عوامل بیرونی سعی دارند راهکار فرافکنی را در پیش گیرند و بر موج تحولات سوار شوند. در این ارتباط، تکیه به قدرت‌های خارجی نقشی برجسته در اتخاذ رویکرد مذکور دارد. به عبارت دیگر دولت‌های مورد بحث از یک سو در راستای تامین منافع قدرت‌های خارجی به‌ویژه امریکا حرکت می‌کنند و از سویی دیگر برای بقاء خود و حامیان مربوطه وابسته به قدرت‌های مذکور هستند. این مهم شاید در کوتاه مدت تامین‌کننده منافع قدرت‌های بزرگ باشد اما با توجه لطمات جدی به منافع آنها در بلند مدت باید به طور جدی مورد تجدید نظر قرار گیرد.

اگرچه بیشتر نقاط جهان به سمت فناوری، نوآوری، شرکت‌های اشتغال‌زا و استارت‌آپ‌های کارآفرینی حرکت کرده‌اند اما جهان عرب همچنان دارای یک نظام دولت-ملت شکست خورده و متلاشی شده است که توسط رهبران غیرپاسخگو و مخالف خواسته‌های برحق مردم اداره می‌شود. با این حال، شهروندان همچنان مشتاق حکمرانی دموکراتیک و پاسخگو و متعهد به حقوق بشر هستند. به نظر می‌رسد یک قرارداد اجتماعی جدید تنها راه واقع‌بینانه به سوی ثبات واقعی داخلی و منطقه‌ای باشد. این قرارداد اجتماعی باید شامل سازمان‌های اجتماعی مشروع، رژیم‌ها و

<sup>1</sup> Democracy for the Arab World Now (DAWN)

بخش خصوصی، به‌ویژه کارفرمایان بزرگ و مؤسسات آموزشی و آموزشی باشد. بخش‌های مختلف باید ضمن آغاز کار بر روی قرارداد اجتماعی مورد نظر نسبت به منافع کلیدی مهم‌ترین بازیگران و خطوط قرمز حافظ این منافع آگاه باشند. عمل‌گرایی، دربرگیری تمامی طیف‌های سیاسی، اجتماعی، مذهبی و ...، واقع‌گرایی و سازش باید زیربنای بحث‌هایی باشد که منجر به تعیین اهداف دست‌یافتنی و معیارهای اعتمادسازی در طول مسیر خواهد شد. در قرارداد اجتماعی جدید باید تلاش شود یک نتیجه برد-برد تحقق یابد و از پارادایم حاصل جمع جبری صفر اجتناب گردد.

### منابع فارسی

۱. آذرشب، م. ت.، مومنی، س. م. ج. (۱۳۹۶). الزامات امنیت منطقه‌ای و استراتژی امنیتی ایران در خاورمیانه. فصلنامه راهبرد سیاسی، ۱(۲)، ۱۳۷-۱۶۱.
۲. ایوب، م. (۱۳۹۴). خاورمیانه از فروپاشی تا نظم‌یابی، ترجمه مهدی زیبایی و سجاد بهرامی مقدم. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۳. بوزان، ب.، ویور، الف.، دو ویلدو، پ. (۱۳۹۲). چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت، ترجمه علیرضا طیب، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۴. جاگرسگوک، الف.، شولز، م.، سوائین، الف. (۱۴۰۰). امنیت در خاورمیانه، ترجمه علی آدمی و مبین کرباسی، تهران: انتشارات موسسه ابرار معاصر تهران
۵. توتی، ح.، کریمی، غ. (۱۳۹۷). نظم سیاسی - امنیتی آمریکا در خاورمیانه و امنیت ملی ایران (با تأکید بر برجام). نشریه علمی پژوهش‌های دانش انتظامی دانشگاه علوم انتظامی امین، ۲۰(۳)، ۱۴۴-۱۲۵.
۶. دیوان، الف.، مالک، ع.، آتیاس الف. (۱۴۰۱). سرمایه‌داری رفاقتی در خاورمیانه: کسب و کار و سیاست، از آزادسازی تا بهار عربی، ترجمه محمد رضا فرهادی‌پور. تهران: انتشارات شیرازه کتاب ما
۷. زیبایی، م. (۱۴۰۰). جامعه‌شناسی تاریخی قرارداد اجتماعی در جهان عرب، پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۱۰(۳۷)، ۲۰۵-۲۳۳. Doi: 10.22054/qps.2020.50068.2456
۸. صالحی، م.، زارع، ر. (۱۳۹۶). خلأ قدرت و تأثیر آن بر امنیت منطقه خاورمیانه، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، ۱۰(۴۰)، ۹۳-۱۱۴.
۹. عبدالله‌خانی، ع. (۱۳۸۹). نظریه‌های امنیت، تهران: انتشارات موسسه ابرار معاصر تهران.
۱۰. فصیحی، م. ح. (۱۳۹۹). حساسیت فقها نسبت به مسأله اقتصاد و راهکارهای تأمین امنیت آن، دوفصلنامه علمی تخصصی افق‌های نو در فقه سیاسی، ۸(۸)، ۱۱۵-۱۴۳.
۱۱. گلوین، ج. (۱۳۹۸). خاورمیانه جدید، ترجمه مهدی زیبایی. قزوین: انتشارات دانشگاه بین‌المللی

امام خمینی (ره).

۱۲. نویدنیا، م. (۱۳۸۲). درآمدی بر امنیت اجتماعی. فصلنامه مطالعات راهبردی، ۶(۱۹)، ۵۵-۷۸.
۱۳. ویلیامز، پ. (۱۳۹۲). درآمدی بر بررسی‌های امنیت، ترجمه علیرضا طیب. تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.
۱۴. یاری، الف.، عابدی، م. (۱۴۰۰). چالش ژئوکالچری امنیت و ثبات منطقه‌ای در خاورمیانه؛ با تاکید بر ژئوکالچر دینی و مذهبی. فصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم، ۱۱(۱)، ۷۳-۱۰۵.

Doi:20.1001.1.23225580.1400.11.1.3.1

### English References

1. Achcar, G. (2020). On the "Arab Inequality Puzzle": The Case of Egypt. *Development and Change*. 51(3), 746-770. Doi:10.1111/dech.12585.
2. Arab Opinion Index. (2020). Main Results in Brief, *Arab Center Washington DC.*, March 5 at: <https://arabcenterdc.org/resource/the-2019-2020-arab-opinion-index-main-results-in-brief/#section4>
3. Assi, R., Marcati, C. (2020). Women at work: Job opportunities in the Middle East set to double with the Fourth Industrial Revolution. *McKinsey & Company*. March 5 at: <https://www.mckinsey.com/~media/mckinsey/featured%20insights/middle%20east%20and%20africa/women%20at%20work%20in%20the%20middle%20east/women-at-work-in-the-middle-east.pdf>.
4. Bayat, A. (2021). *Revolutionary Life: The Everyday of the Arab Spring*. Cambridge: Harvard University Press.
5. Bhuiyan, S., Farazmand, A. (2020). Society and Public Policy in the Middle East and North Africa. *International Journal of Public Administration*. 43(5), 373-377. doi: [10.1080/01900692.2019.1707353](https://doi.org/10.1080/01900692.2019.1707353)
6. Cammack, P., Dunne, M., Hamzawy, A., Lynch, M., Muasher, M., Sayigh, Y., Yahya, M. (2017). Arab Fractures: Citizen, States and Social Contracts. *Carnegie Endowment for International Peace*. March 5 at: [https://carnegieendowment.org/files/Arab\\_World\\_Horizons\\_Final.pdf](https://carnegieendowment.org/files/Arab_World_Horizons_Final.pdf).
7. Cordesman, A. H. (2020). The Greater Middle East: From the "Arab Spring" to the "Axis of Failed States", *The Center for Strategic and International Studies (CSIS)*. March 4 at: [https://csis-website-prod.s3.amazonaws.com/s3fs-public/publication/200824\\_MENA\\_Axis\\_Failed\\_States.pdf](https://csis-website-prod.s3.amazonaws.com/s3fs-public/publication/200824_MENA_Axis_Failed_States.pdf).



8. Danon, Z. and Collin, S. R. (2021). Women in the Middle East and North Africa: Issues for Congress. *Congress Research Service*. March 5 at: <https://sgp.fas.org/crs/mideast/R46423.pdf>.
9. El-Swais, M. (2016). Despite high education levels, Arab women still don't have jobs. *World Bank Group*. March 5 at: <https://blogs.worldbank.org/arabvoices/despite-high-education-levels-arab-women-still-don-t-have-jobs>.
10. Hazbun, W. (2018). Regional Powers and the Production of Insecurity in the Middle East, *MENARA Working Papers*. March 4 at: [https://www.iai.it/sites/default/files/menara\\_wp\\_11.pdf](https://www.iai.it/sites/default/files/menara_wp_11.pdf).
11. Josua, M. and Edel, M. (2021). The Arab uprisings and the return of repression, *Mediterranean Politics*. 26(5), 586-611. DOI: 10.1080/13629395.2021.1889298.
12. Laffineur, C., Tavakoli, M., Fayolle, A., Amara, N., Carco, M. (2018). Insights from Female Entrepreneurs in MENA Countries: Barriers and Success Factors. In Nezameddin Faghieh and Mohammad Reza Zali (eds.). *Entrepreneurship Ecosystem in the Middle East and North Africa (MENA) Dynamics in Trends, Policy and Business Environment*. pringer Nature: Springer International Publishing.
13. Nikfar, J. (2020). Globalization and future of power relations in the Arabic Middle-East: a case study of Egypt and Libya. *Humanities and Social Sciences Communications*. 7(134), 1-9. Doi.org/10.1057/s41599-020-00631-7.
14. Transparency International. (2019). *Lack of political integrity is undermining trust in democracy in Middle East and North Africa*. March 4 at: <https://www.transparency.org/en/news/lack-of-political-integrity-is-undermining-trust-in-democracy-in-mena>.
15. United Nations Development Programme, (2019). *Leaving No One Behind Towards Inclusive Citizenship in Arab Countries*. March 4 at: [http://www.arab-hdr.org/UNDP\\_Citizenship\\_and\\_SDGs\\_report\\_web.pdf](http://www.arab-hdr.org/UNDP_Citizenship_and_SDGs_report_web.pdf).
16. Wezeman, P. D., Kuimova, A. and Wezeman, S. T. (2021). Trends in international arms transfers. *SIPRI Fact Sheet*. March 4 at: [https://sipri.org/sites/default/files/2021-03/fs\\_2103\\_at\\_2020.pdf](https://sipri.org/sites/default/files/2021-03/fs_2103_at_2020.pdf).

## Translated References to English

1. Abdulakhani, A. (2011). *Security Theories*. Tehran: Tehran International Studies and Research Institute. **(In Persian)**
2. Achcar, G. (2020). On the "Arab Inequality Puzzle": The Case of Egypt. *Development*

- and Change*. 51(3), 746-770. Doi:10.1111/dech.12585.
3. Arab Opinion Index. (2020). Main Results in Brief, *Arab Center Washington DC.*, March 5 at: <https://arabcenterdc.org/resource/the-2019-2020-arab-opinion-index-main-results-in-brief/#section4>
  4. Assi, R. and Marcati, C. (2020). Women at work: Job opportunities in the Middle East set to double with the Fourth Industrial Revolution. *McKinsey & Company*. March 5 at: <https://www.mckinsey.com/~media/mckinsey/featured%20insights/middle%20east%20and%20africa/women%20at%20work%20in%20the%20middle%20east/women-at-work-in-the-middle-east.pdf>.
  5. Ayoob, M. (2015), *Will the Middle East implode?*. Translated by Mehdi Zibaei and Sajjad Bahrami Moghadam. Terhran: The Research Institute for Strategic Studies. **(In Persian)**
  6. Azarshab, M., Momeni, S. (2017). Regional Security Requirements and Iran's Security Strategy in the Middle East. *Journal of Political Strategy*, 1(2), 137-161. Doi: 20.1001.1.25884565.1396.1.2.6.5. **(In Persian)**
  7. Bayat, A. (2021). *Revolutionary Life: The Everyday of the Arab Spring*. Cambridge: Harvard University Press.
  8. Bhuiyan, S., Farazmand, A. (2020). Society and Public Policy in the Middle East and North Africa. *International Journal of Public Administration*. 43(5), 373-377. Doi: [10.1080/01900692.2019.1707353](https://doi.org/10.1080/01900692.2019.1707353)
  9. Buzan, B. Wæver, O. De Wilde J. (2014). *Security: A New Framework for Analysis*. Translated by Alireza Tayyeb. Tehran: Research Institute of Strategic Studies. **(In Persian)**
  10. Cammack, P., Dunne, M., Hamzawy, A., Lynch, M., Muasher, M., Sayigh, Y. and Yahya, M. (2017). Arab Fractures: Citizen, States and Social Contracts. *Carnegie Endowment for International Peace*. March 5 at: [https://carnegieendowment.org/files/Arab\\_World\\_Horizons\\_Final.pdf](https://carnegieendowment.org/files/Arab_World_Horizons_Final.pdf).
  11. Cordesman, A. H. (2020). The Greater Middle East: From the “Arab Spring” to the “Axis of Failed States”, *The Center for Strategic and International Studies (CSIS)*. March 4 at: [https://csis-website-prod.s3.amazonaws.com/s3fs-public/publication/200824\\_MENA\\_Axis\\_Failed\\_States.pdf](https://csis-website-prod.s3.amazonaws.com/s3fs-public/publication/200824_MENA_Axis_Failed_States.pdf).
  12. Danon, Z. and Collin, S. R. (2021). Women in the Middle East and North Africa: Issues for Congress. *Congress Research Service*. March 5 at: <https://sgp.fas.org/crs/>

mideast/R46423.pdf.

13. Diwan, I., Malik, A., Atiyas, I. (2022). *Crony Capitalism in the Middle East: Business and Politics from Liberalization to the Arab Spring*. Translated by Mohammad Reza Farhadipoor. Tehran: Shirazehketabema. **(In Persian)**

14. El-Swais, M. (2016). Despite high education levels, Arab women still don't have jobs. *World Bank Group*. March 5 at: <https://blogs.worldbank.org/arabvoices/despite-high-education-levels-arab-women-still-don-t-have-jobs>.

15. Fasihi, M.H. (2021). Sensitivities of jurists on the issue of economics and its security solutions. *Bi-Quarterly Journal of New Horizons in Political Jurisprudence*. 8(2), 115-143. **(In Persian)**

16. Gelvin, J. L., (2020), *The New Middle East: what everyone needs to know*. Translated by Mehdi Zibaei. Qazvin: Imam Khomeini International University Press. **(In Persian)**

17. Hazbun, W. (2018). Regional Powers and the Production of Insecurity in the Middle East, *MENARA Working Papers*. March 4 at: [https://www.iai.it/sites/default/files/menara\\_wp\\_11.pdf](https://www.iai.it/sites/default/files/menara_wp_11.pdf).

18. Jägerskog .A. Schulz. M. and Swain. A. (2021). *Routledge Handbook on Middle East Security*. Translated by Ali Adami and Mobin Karbasi. Tehran: Tehran International Studies and Research Institute. **(In Persian)**

19. Josua, M. and Edel, M. (2021). The Arab uprisings and the return of repression, *Mediterranean Politics*. 26(5), 586-611. Doi: 10.1080/13629395.2021.1889298.

20. Navidnia, M. (2003). An Introduction to Social Security. *Strategic Studies Quarterly*, 6(19), 55-78. **(In Persian)**

21. Laffineur, C., Tavakoli, M., Fayolle, A., Amara, N., Carco, M. (2018). Insights from Female Entrepreneurs in MENA Countries: Barriers and Success Factors. In Nezameddin Faghih and Mohammad Reza Zali (eds.). *Entrepreneurship Ecosystem in the Middle East and North Africa (MENA) Dynamics in Trends, Policy and Business Environment*. pringer Nature: Springer International Publishing.

22. Nikfar, J. (2020). Globalization and future of power relations in the Arabic Middle-East: a case study of Egypt and Libya. *Humanities and Social Sciences Communications*. 7(134), 1-9. doi.org/10.1057/s41599-020-00631-7.

23. Salehi, M., Zare, R. (2018). Power Vacuum and it's Impacts on the Middle East Security. *Research Letter of International Relations*, 10(40), 93-114. **(In Persian)**

24. Transparency International. (2019). *Lack of political integrity is undermining trust in democracy in Middle East and North Africa*. March 4 at: <https://www.transparency.org/en/news/lack-of-political-integrity-is-undermining-trust-in-democracy-in-mena>.
25. Tooti, H., Karimi, G. (2018). Political order - US security in the Middle East and Iran's national security (with emphasis on action). *Police Knowledge Journal*, 20(3), 125-144. **(In Persian)**
26. United Nations Development Programme, (2019). *Leaving No One Behind Towards Inclusive Citizenship in Arab Countries*. March 4 at: [http://www.arab-hdr.org/UNDP\\_Citizenship\\_and\\_SDGs\\_report\\_web.pdf](http://www.arab-hdr.org/UNDP_Citizenship_and_SDGs_report_web.pdf).
27. Wezeman, P. D., Kuimova, A. and Wezeman, S. T. (2021). Trends in international arms transfers. *SIPRI Fact Sheet*. March 4 at: [https://sipri.org/sites/default/files/2021-03/fs\\_2103\\_at\\_2020.pdf](https://sipri.org/sites/default/files/2021-03/fs_2103_at_2020.pdf).
28. Williams. P. (2014). *Security studies: an introduction*. Translated by Alireza Tayyeb. Tehran: Amirkabir Publication Institution. **(In Persian)**
29. Yari, E., Abedi, M. (2021). The Geocultural Challenge of Regional Security and Stability in the Middle East; With emphasis on religion. *Soft power Studies*, 11(1), 73-105. doi: 20.1001.1.23225580.1400.11.1.3.1. **(In Persian)**
30. Zibaei, M. (2021). The Historical Sociology of Social Contract in the Arab World. *Political Strategic Studies*, 10(37), 205-233. doi: 10.22054/qps.2020.50068.2456. **(In Persian)**